

اقتصاد دولتی بزرگ‌ترین مانع کارآفرینی در ایران است



گروه جامعه: دکتر سعید عرب‌نژاد، عضو هیات مدیره و مسئول دفتر طراحی شرکت «دنده‌کار» کرمان، از آن دسته نخبگانی است که پس از تحصیل و پژوهش در دانشگاه‌های سنگاپور و توکیو، تصمیم گرفت به ایران بازگردد؛ نه برای زندگی آرام، بلکه برای فعالیت در صنعتی که به گفته خودش «محیطی خشن‌تر از دانشگاه» دارد.

کارآفرین برتر استان کرمان در گفت‌وگو با «استقامت» از چالش‌های اقتصاد دولتی، بروکراسی فرساینده، شکاف دانشگاه و صنعت، نابازار در اقتصاد ایران و دشواری رقابت با رقبای ترک و چینی سخن گفت و تاکید کرد امروز بیش از آن که مدیر باشد، «مشغول خاموش کردن آتش‌هایی است که دیگران روشن کرده‌اند».

به گزارش استقامت، سعید عرب‌نژاد در هجدهمین دوره جایزه افصلی پور به عنوان کارآفرین نمونه معرفی شد و جایزه هشتمین دوره کارآفرین برتر را دریافت کرد.

او که متولد ۱۳۶۳ در کرمان است، مسیر علمی خود را با مهندسی مکانیک در دانشگاه شهید باهنر کرمان آغاز کرد و تحصیلات تکمیلی‌اش را در دانشگاه صنعتی امیرکبیر ادامه داد و سپس برای ادامه تحصیل در مقطع دکترا راهی دانشگاه ملی سنگاپور شد.

عرب‌نژاد پس از بازگشت به کشور برای درک دقیق‌تر سازوکارهای اقتصادی، بار دیگر راهی دانشگاه شد و مدرک کارشناسی اقتصاد را نیز از دانشگاه شهید باهنر کرمان گرفت.

وی در گفت‌وگو با خبرنگار استقامت، با اشاره به روند تحصیلاتش توضیح داد: «پس از اتمام تحصیلاتم در مقطع کارشناسی ارشد، برای دکترا یک بورسیه از یک دانشگاه در آمریکا گرفتم اما موفق نشدم کارهای ویزا را انجام بدهم و بورسیه دوم را از دانشگاه ملی سنگاپور گرفتم».

عرب‌نژاد ادامه داد: «تحصیلات من در رشته مکانیک بود اما کارهایی که در مقطع دکترا انجام دادم در حوزه کوانتوم فیزیک بود یعنی با پارتمان فیزیک بیشتر حشر و نشر داشتیم تا دپارتمان مکانیک».

وی افزود: «بعد از آن حدود ۳ سال توکیو بودم و در دپارتمان شیمی دانشگاه توکیو به عنوان پژوهشگر مشغول شدم اما بعد از مدتی به این نتیجه رسیدم که باید به ایران برگردم زیرا تقریباً پرسش تمام سوالاتی که در ذهنم بود را پیدا کرده بودم».

مسئول دفتر طراحی شرکت دنده‌کار کرمان خاطرنشان کرد: «در حال حاضر که همه دنبال مهاجرت از کشور هستند، این سوال مطرح می‌شود که چرا برگشتی؟ گاهی تصور می‌کنند من نمی‌توانستم بمانم، اما این طور نبود. من می‌توانستم کشورهای دیگر هم بروم و کارم را ادامه بدهم اما از یک جایی به بعد، حس کردم که باید برگردم. حس می‌کردم که داخل کشور می‌توانم اثرگذارتر باشم. می‌خواستم شب که سرم را روی بالش می‌گذارم این حس را داشته باشم که مفید بودم».

وی گفت: «فرق نمی‌کند شما چه ماشینی سوار شوید، در خانه چند متری زندگی

می‌کنید، یا شب شام چه خورده‌اید، حس مفید بودن روی شما اثر می‌گذارد و حال خوب انسان از آن حس مفید بودن می‌آید».

تجربه تدریس در کنار فعالیت صنعتی
عرب‌نژاد یادآور شد: «هشت سال پیش، یعنی سال ۱۳۹۷ به ایران برگشتم. ما یک شرکت خانوادگی داریم که من پس از بازگشتم در همان شرکت کارم را شروع کردم».

وی ادامه داد: «پیشنهادهای برای عضویت در هیئت علمی دانشگاه مطرح شد اما آن زمان دانشگاه به تخصص من در رشته مکانیک و زمینه‌ای که من به آن مربوط می‌شدم، نیاز نداشت و امکان ورود من میسر نبود».

عرب‌نژاد بیان کرد: «امروز با اینکه دانشگاه را هم خیلی دوست دارم، خوشحالم که عضو هیات علمی (تمام وقت) دانشگاه نشدم، البته از همان زمان که برگشتم، به واسطه لطفی که دانشگاه به من داشت، هر ترم به عنوان استاد مدعو دو الی سه درس را در خدمت دانشگاه بودم و هنوز هم هستم و در آینده هم احتمالاً خواهم بود».

وی افزود: «هدفم این بود، همزمان که در بخش خصوصی هستم، موقعیتی به اسم هیئت علمی دانشگاه را هم داشته باشم، این دو منافاتی با هم نداشتند و فقط میزان وقت و زمانی که به هر کدام اختصاص می‌دادم کم و زیاد می‌شد، ولی امروز متوجه شدم نمی‌توانستم چنین کاری را انجام بدهم و مجبور بودم بخش زیادی از وقتم را به موضوعی اختصاص بدهم که علاقه‌ای به آن نداشتم».

برگزیده جایزه کارآفرین برتر خاطرنشان کرد: «یکی از همکلاسی‌های فرانسوی من در سنگاپور جمله‌ای از قول عمویش می‌گفت که آن زمان خیلی مفهوم آن را نمی‌فهمیدم. او می‌گفت عموی من می‌گوید آدم‌هایی که در محیط دانشگاه کار می‌کنند کارهای سخت را در یک محیط نرم انجام می‌دهند و افرادی که در صنعت فعالیت می‌کنند، کارهای آسان‌تر را در محیطی خشن‌تر انجام می‌دهند و هر چقدر آدم‌ها دیرتر از محیط آکادمیک خارج

شوند، این دوران گذار برایشان سخت‌تر می‌شود. من امروز این را درک می‌کنم».

وی گفت: «من در دانشگاه هم فعالیت داشتم، آن جا کارهایی که انجام می‌شود از نظر علمی سخت است اما دانشگاه محیط نرمی است، هر ماه به واسطه بورسیه بودن حقوق مان واریز می‌شد، خانه، خوابگاه و آزمایشگاه مهیا و فراهم بود، همیشه کولر روشن بود، برق وصل بود، کامپیوتر داشت ران می‌گرفت، ما هم معادلات درجه سه را حل می‌کردیم و ماه بعد سراغ معادلات درجه چهار می‌رفتیم، مقاله چاپ می‌کردیم».

عرب‌نژاد ادامه داد: «کارهای خیلی زیبایی بود اما این نگاه به دانشگاه، دنیای واقعی دانشگاه نیست، این طور می‌توان تصور کرد که در گلخانه زندگی می‌کنید. اما وقتی در صنعت کار انجام می‌دهید، ممکن است که انتهای ماه در پرداخت حقوق کارمندان مشکل داشته باشید، ممکن است در حالی که مشغول فعالیت هستید به هر دلیلی مثلاً حساب بانکی شما مسدود شود یا عملکرد ماشینی که ساخته‌اید، جواب ندهد».

مسئول دفتر طراحی شرکت دنده‌کار کرمان یادآور شد: «کارهای محیط صنعتی نسبت به کارهایی که در دانشگاه انجام می‌شود آسان‌تر است، اما محیط خشن‌تر است».

دوباره کنکور دادم

وی در ادامه توضیح داد: «پس از اتمام درس، به ایران برگشتم و کارم را شروع کردم. استاد مدعو دانشگاه هم بودم و معمولاً در دانشگاه در نظرسنجی‌هایی که توسط دانشجویان انجام می‌شود، هر ترم در هر بخشی که بودم، با توجه به درسی که تدریس می‌کردم، استاد اول یا دوم بودم. اگر درس‌ها سنگین و پیچیده‌تر بودند و به دانشجویها فشار می‌آمد در نظرسنجی نمره پایین‌تری می‌دادند!»

عرب‌نژاد اضافه کرد: «من همیشه به جز درس‌های تخصصی مکانیک، فیزیک و شیمی، در مورد سیاست و اقتصاد هم خیلی

می‌خواندم و همواره این سوال در ذهنم مطرح بود که اگر کسی از من سوال کند که چرا تفاوت بین پراید، هیوندای و بنز زیاد است، می‌توانم درباره مواد، کنترل کیفیت، پروسه‌ها و مسائل فنی که دلیل این تفاوت می‌شد را، توضیح بدهم اما نمی‌فهمیدم چرا هر کس که وارد اقتصاد می‌شود یا هر دولتی که اقتصاد را در دست می‌گیرد، نمی‌تواند تورم ۵۰ درصدی، درآمد سرانه ۴۰۰۰ دلاری و معضلات دیگر اقتصادی را حل کند».

وی افزود: «حرف‌هایی مانند این‌ها کار خودشان است، خودشان فروشنده نفت هستند و موضوعات توهیم و توطئه که در جامعه هم زیاد است، باسخری من نبود و به این نتیجه رسیدم که برای کنکور ثبت نام کنم و اقتصاد بخوانم».

عرب‌نژاد بیان کرد: «دو سال بعد از برگشتم به ایران، در کنکور شرکت کردم و در رشته کارشناسی اقتصاد دانشگاه کرمان پذیرفته شدم. همیشه این سوال برای اطرافیان مطرح بود که چرا مقطع کارشناسی را انتخاب کردم. من مدرک زیاد دارم و دنبال گرفتن مدرک نبودم بلکه می‌خواستم اصول و بنیادی (فاندمنتال) این علم را یاد بگیرم».

وی یادآور شد: «تحصیلاتم را در رشته اقتصاد شروع کردم و سال گذشته (۱۴۰۴) موفق به اخذ مدرک کارشناسی در این رشته شدم. طی این چهار سال به پاسخ سوالاتم که چرا کسی توان مهارت تورم ۵۰ درصدی را ندارد؟ و یا چرا درآمد سرانه ما از ۴۰۰۰ دلار بالاتر نمی‌رود را دریافت کردم که برای خودم ارزشمند است».

برگزیده جایزه کارآفرین برتر افزود: «در طول ۴ سالی که اقتصاد می‌خواندم، خیلی وقت‌ها صبح دانشجو بودم و عصر استاد - معمولاً کلاس‌هایم را عصر برگزار می‌کردم و دانشگاه این لطف را به من داشت که ساعت کلاس‌ها زمانی باشد که وقتی از شرکت برمی‌گردم بتوانم کلاس‌ها را برگزار کنم و بعد به خانه بروم - طی این مدت کیفیت سطح آموزش دانشگاه را از پایین به بالا و از منظر دانشجو هم می‌دیدم و این خیلی جاها برای من بهتر بود، البته تا زمانی که